

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- تئوری‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

## چگونه ایران سوریه را از دست داد؟

ایران، سقوط اسد را به عنوان یک توطئه سازمان‌دهی شده خارجی محکوم کرد، چارچوبی که نشان‌دهنده تلاش‌های تهران برای حفظ وجهه خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای انعطاف‌پذیر است، اما با این حال، در داخل ایران، مقامات و ناظران اختلاف نظر دارند. سرعت سریع حوادث و تحلیل رفتن منابع نظامی و سیاسی تهران در یک سال گذشته در بحبوحه تشدید رویارویی مستقیم و غیرمستقیم نظامی با اسرائیل، ایران را در یک بن‌بست حیثیتی مرگبار گرفتار کرده است.

عقب‌نشینی راهبردی ایران، فرصتی بی‌نظیر را برای آمریکا جهت مهار پتانسیل‌های ایران فراهم می‌کند. پس از فروکش کردن نبردهای گسترده در سال ۲۰۱۸، تهران تمرکز خود را بر تحکیم نفوذ خود در جنوب شرق سوریه، تضمین کنترل بر قلمرو و ادغام شبه‌نظامیان در نیروهای مسلح سوریه آغاز کرد، اما این تلاش‌ها برای جلوگیری از سقوط سریع اسد در اوایل ماه دسامبر ناکافی بود.

به نظر می‌رسد که ایران با ظاهر یک دولت توانا و باثبات در دمشق گمراه شده بود، البته که خود تهران به اسد در ایجاد این توهم کمک کرده بود. دولت ایران برای فروپاشی سریع ارتش سوریه آماده نبود.

از طرف دیگر تضعیف حزب‌الله چالش‌های ایران را بیشتر کرد. حزب‌الله در استراتژی ایران در سوریه نقش محوری داشت و هزاران جنگجوی آن برای حمایت از حکومت اسد در دهه گذشته مستقر شدند. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، در سال ۲۰۲۰، حزب‌الله هماهنگ‌کننده اصلی شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در سوریه شد، اما حملات اسرائیل علیه پرسنل و زیرساخت‌های حزب‌الله در سال گذشته برتری او را از بین برد و از ارائه هرگونه حمایت نظامی یا لجستیکی بیشتر به اسد جلوگیری کرد.

ادامه در صفحه ۲

کنترل اسد بر قدرت قابل اطمینان به نظر می‌رسید، اما با این حال حکومت او در عرض چند روز سقوط کرد. نفوذ ایران در سوریه که با زحمت فراوان در طی سال‌ها پرورش یافته بود در عرض یک هفته خراب شد. طی سال‌ها، ایران منابع و کمک‌های نظامی عظیمی را برای تضمین بقای اسد سرمایه‌گذاری کرد، اما همه به هدر رفت. پس از این سقوط، [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم

### فازن افروز حمیدرضا عزیزی |

در دهه گذشته، حکومت اسد که با حمایت بی‌دریغ ایران و روسیه تقویت شده بود، مخالفان را به طرز وحشیانه‌ای سرکوب کرد. آنچه به عنوان یک قیام در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، به یک جنگ داخلی ویرانگر تبدیل شد که در نهایت به یک بن‌بست ناآرامی رسید. به رغم چالش‌های مداوم،

۱۰

دخالت ترامپ در  
قفقاز جنوبی؟

۹

نگرش نوین ایرانی به امنیت و  
شکوفایی منطقه‌ای

۷

دلارزدایی و اهمیت آن  
در جهان

# چگونه ایران سوریه را از دست داد؟



کرد سوری است که بازیگران اصلی جنگ علیه افراط گرایان سنی بودند. ایران از مواضع کلیدی در شرق سوریه عقب نشینی کرد و کنترل را به نیروهای دموکراتیک سوریه واگذار کرد. ایران می تواند در ازای امتیازات استراتژیک، مانند دسترسی مجدد به نیروهای حزب الله لبنان، از هیئت تحریر شام حمایت کند.

سقوط اسد و فرسایش جای پای ایران در سوریه فرصتی نادر برای حضور آمریکا است. حمایت مستمر آمریکا از کردهای سوریه بسیار مهم است. نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها یک متحد کلیدی و به عنوان نیروی تثبیت کننده شمال شرق سوریه بوده است، اما درگیری های اخیر با گروه های شورشی مورد حمایت ترکیه، نیروهای دموکراتیک سوریه را مجبور به توقف عملیات خود علیه داعش کرده است.

آمریکا همچنین باید با متحدان خود در غرب آسیا و اروپا همکاری کند تا گفت و گوی سیاسی فراگیر را در میان همه جناح های سوریه ترویج دهد. خلاء قدرت به جا مانده از خروج اسد خطر تشدید رقابت میان جناح های مختلف و میان بسیاری از اقلیت های قومی و مذهبی را به دنبال دارد.

<https://tinyurl.com/25p7e7tl>

بار در سوریه در سال ۲۰۱۱ مداخله کرد و ظرفیت خود را برای حفظ یک تعامل خارجی پرهزینه محدود کرد. سقوط اسد نقاط ضعف ایران را آشکار کرده و چالش های جدیدی را پیش روی تهران قرار داده و نفوذ و ثبات منطقه ای آن را تهدید می کند. فروپاشی سوریه توان عملیاتی حزب الله را به شدت تضعیف و اتصال جغرافیایی محور مقاومت را مختل کرده است. اختلافات ایدئولوژیک و فرقه ای در میان متحدان ایران ممکن است انسجام این محور را بیشتر از بین ببرد. از دست دادن سوریه همچنین ممکن است اعتبار ایران را نزد شرکای منطقه ای در عراق و یمن نیز تضعیف کند و شک و تردیدهایی را در مورد تعهد و ظرفیت آن ایجاد کند. با از دست رفتن سوریه، ایران در رقابت با ترکیه که نفوذ خود را در سوریه و عراق، لبنان و قفقاز جنوبی گسترش داده است، ضرر خواهد کرد. فشار ترکیه برای کریدور زنگرور، دسترسی زمینی ایران به ارمنستان را نیز که یک شریک استراتژیک برای حفظ پایگاه منطقه ای تهران و راه های تجاری حیاتی ایران است، تهدید می کند. ایران در حال تعدیل استراتژی خود در سوریه جدید است. این کشور علاقه مند به تعامل با گروه های

اسرائیل همچنین با هدف قرار دادن دارایی های ایران در سوریه، وضعیت را تشدید کرد. این استراتژی که در ابتدا با هدف ایجاد اختلال در انتقال تسلیحات ایران به حزب الله از طریق سوریه انجام شد، به بخشی از رویارویی گسترده تر اسرائیل با حزب الله و «محور مقاومت» تبدیل شد و تا اواخر سال ۲۰۲۳ به محاصره زمینی و هوایی بالفعلی منجر شد که عملاً ارتباط ایران را قطع کرد.

در همین حال، با آغاز حمله شورشیان در سوریه، در اواخر ماه نوامبر، شبه نظامیان شیعه عراقی که نقش عمده ای در مراحل اولیه جنگ داخلی سوریه ایفا کرده بودند، تمایلی به ورود مجدد به جنگ نداشتند و همین موضوع در ناکامی پاسخ ایران نقش مؤثری داشت. همچنین افزایش هزینه های مداخله خارجی، ایران را در توانایی خود برای پاسخگویی مؤثر محدود کرد.

عوامل داخلی نیز در تصمیمات تهران برای عدم تعامل مؤثر بود. دو دور حمله تلافی جویانه اسرائیل، به ویژه حملاتش به سایت های نظامی و پدافند هوایی ایران در ماه اکتبر گذشته، آسیب پذیری های جمهوری اسلامی را آشکار کرده بود. از طرف دیگر اقتصاد ایران امروز بسیار بدتر از زمانی است که تهران برای اولین

## مصر و ایران تلاشی برای عادی سازی روابط می کنند؟

### امواج مدیا

مصر و ایران از سال ۲۰۲۱ درگیر تلاش های پنهانی و متعاقباً علنی برای احیای روابط کامل دیپلماتیک پس از چهار دهه بیگانگی بوده اند. پس از افزایش تعامل در سال گذشته، تهران اکنون مطمئن است که سفارتخانه ها پس از سفر تاریخی «مسعود پزشکیان به قاهره به طور کامل بازگشایی خواهند شد.

پزشکیان در روز ۱۹ دسامبر در حاشیه نشست سازمان همکاری اقتصادی «دی-۸» با همتای مصری خود، عبدالفتاح السیسی دیدار کرد.

تصاویر منتشر شده از سوی دفتر پزشکیان نشان می دهد که السیسی به گرمی از رئیس جمهور ایران استقبال می کند. این دو بعداً به طور جداگانه نیز ملاقات کردند.

پزشکیان و السیسی علاوه بر بحث در مورد مناقشات منطقه ای، از «گام های مثبت اخیر» برای احیای روابط استقبال و «ایراز امیدواری» کردند که تلاش ها تا «احیای کامل روابط» ادامه یابد.

عراقچی برخلاف اولین سفر خود در اکتبر سال ۲۰۲۴، این بار از زیارتگاه های شیعیان در قاهره، از جمله مسجد سیده زینب (س) دیدن کرد.

روابط بین قاهره و تهران برای بیش از چهار دهه مملو از تنش بوده که به واسطه درگیری های تاریخی و مناقشات سیاسی شکل گرفته است.

امضای معاهده صلح مصر با اسرائیل در سال ۱۹۷۹ باعث تنش قابل توجهی با جمهوری اسلامی نوپای ایران و همچنین سایر کشورهای عربی شد.

هنگامی که مصر به محمد رضا پهلوی، پادشاه مخلوع ایران (۱۹۴۱-۱۹۷۹) پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ پناهندگی داد، روابط دوجانبه بدتر شد.

ایران از سقوط جانشین سادات، حسنی مبارک (۱۹۸۱-۲۰۱۱)، در جریان اعتراضات بهار عربی استقبال کرده بود قدرت رسیدن اخوان المسلمین مثبت نگریست. با این حال، امیدهای ایران برای روابط قوی تر با قاهره تحت رهبری اخوان المسلمین به دلیل اختلاف نظر در مورد جنگ داخلی سوریه تا حد زیادی تضعیف شد.

به طور قابل توجهی، حمایت السیسی از بشار اسد، متحد ایران و مخالف اخوان به این همسویی کمک کرد.

<https://tinyurl.com/25623mas>



# راهی به سوی صلح در اوکراین

## برنامه موشکی سری

### اوکراین

#### اکنون میست |

موشک «ترمبیتا» اوکراینی که نام آن برگرفته از یک شیپور آلبی بلند سنتی است، بار دیگر وارد صنعت موشکی این کشور شده است. موتور ترمبیتا یک بازسازی مدرن ۲۰۰ دلاری از پالس جت است که برای اولین بار در بمب «وی-۱» آلمان در سال ۱۹۴۴ استفاده شد. ترمبیتا با سرعت ۴۰۰ کیلومتر در ساعت با برد ۲۰۰ کیلومتر پرواز می‌کند. شواهد نشان می‌دهند که کی‌یف برای مقابله با مسکو به دنبال تقویت این مدل موشک بوده و تولید انبوه قرار است پس از آزمایشات میدانی نهایی انجام شود. مشخص نیست که اوکراین تا چه زمانی می‌تواند روی کمک‌های نظامی عظیم خارجی حساب کند. از این رو، ترمبیتا یکی از پروژه‌های موشکی به شمار می‌رود که کشور امیدوار است در صنعت داخلی خود داشته باشد. در دوران اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین در زمینه نوآوری فضا و موشک پیشرو بود. کارخانه Pivdenmash دنیپرو چهار نسل موشک استراتژیک تولید کرد. اما این سنت درخشان در سال ۱۹۹۴ با تفاهم‌نامه بوداپست متوقف شد که براساس آن اوکراین موشک‌های قاره‌پیمای مجهز به سلاح هسته‌ای خود را در ازای تضمین‌های امنیتی بی‌فایده تسلیم کرد. اکنون اوکراین در میانه جنگ بازی می‌کند. به استثنای تعداد محدودی از موشک‌های آمریکایی ATACMS (برد رسمی ۳۰۰ کیلومتر) و طوفان بریتانیایی/فرانسوی سایه (۲۵۰ کیلومتر یا بیشتر)، این کشور عمدتاً اهداف نزدیک به خط مقدم را هدف قرار داده است. از جزئیات برنامه موشکی اوکراین به شدت محافظت می‌شود و دلیل خوبی هم دارد. روسیه بی‌وقفه تأسیسات تولید را شکار می‌کند و صدها کارگر را کشته و معلول کرده است. موضوع دلهره‌آور دیگر، مسائل مالی است. دولت از تولید هر موشکی که نشان داده می‌تواند پرواز کند، حمایت و به تولیدکنندگان خصوصی همان حاشیه سود حداکثر ۲۵ درصدی را که به تولیدکنندگان پهناد می‌دهد، پیشنهاد می‌کند. روسیه ممکن است از مذاکرات آتش بس برای محدود کردن تولید موشک اوکراین استفاده کند.

<https://tinyurl.com/22mz4ru5>



این امتناع آشکار از داشتن یک هدف مشخص برای آمریکا، هنجار سیاست خارجی آمریکا نیست. اگرچه ممکن است برای آمریکا بیان یک نتیجه دلخواه برای درگیری که در آن شرکت مستقیم ندارد، ناخوشایند باشد، اما واشنگتن اغلب این کار را زمانی انجام داده است که خطرات برای منافع آمریکا بالا بود و اهرم فشاری در اختیار داشت، به عنوان مثال، در «موافقت‌نامه دیتون» در سال ۱۹۹۵ که به جنگ‌های بالکان پایان داد یا در «نقشه راه» جورج دبلیو بوش برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین. در واقع، خود بایدن چشم‌انداز آمریکا را در مورد پایان بازی برای دیگر درگیری‌های جاری با اهمیت ژئوپلیتیکی عمده، یعنی جنگ در غزه، مشخص کرد. همان طور که ترامپ و کلوگ برای آغاز مذاکرات آماده می‌شوند، چندین مشکل اساسی وجود دارد که باید از آن‌ها اجتناب کرد. مدیریت انتظارات هم از مردم و هم دولت‌های درگیر، بسیار مهم خواهد بود. وعده ترامپ برای مذاکره ۲۴ ساعته احتمالاً بلند پروازانه بود، اما به نظر واضح است که تیم او می‌خواهد به سرعت رو به جلو حرکت کند.

<https://tinyurl.com/23dqjvnp>

دور گفت‌وگو را به صورت حضوری و آنلاین با هدف پایان دادن به درگیری انجام دادند؛ اگرچه چارچوبی برای صلح به نام بیانیه استانبول تهیه شد، اما توافقی هرگز نهایی نشد. با این حال، در آستانه و پس از انتخاب ترامپ، نشانه‌هایی مبنی بر آمادگی کی‌یف و مسکو برای بازگشت به میز مذاکره وجود دارد. این امر به‌ویژه در مورد اوکراینی‌ها صدق می‌کند که به مدت دو سال است که در حال از دست دادن زمین و همچنین مردم و ظرفیت تولید انرژی هستند و قبل از بحرانی شدن وضعیت نیروی انسانی‌شان به کمک فوری نیاز دارند. روسیه نیز با چالش‌هایی روبرو است: روز به روز بیشتر می‌شود اما با هزینه‌ای بسیار بالا و کرملین می‌خواهد این دستاوردها را بدون متحمل شدن هزینه‌های هنگفت به‌طور نامحدود حفظ کند. یک پیش‌نیاز حیاتی برای رویکرد موفقیت‌آمیز آمریکا به مذاکرات، پایان بازی تعریف شده است. دولت بایدن این را موضوع سیاست خود قرار داده است که هدف آمریکا را برای جنگ در اوکراین تعریف نکند، بلکه «تا زمانی که طول بکشد» از اوکراین حمایت کند و جزئیات نتیجه مورد نظر را به کی‌یف موکول کند.

#### فاران فرز ساموئل چاراپا |

برای کسانی که به دنبال پایان دادن به جنگ ویرانگر روسیه در اوکراین هستند، انتخاب دونالد ترامپ فرصتی حیاتی و تعیین‌کننده است. برخلاف جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا که دولتش سیاست حمایت تزلزل‌ناپذیر از اوکراین را بدون اصرار برای پایان بازی مشخصی برای جنگ حفظ کرده، ترامپ تقریباً به‌طور انحصاری بر روی این پایان بازی متمرکز شده است. او مدت‌هاست که قصد خود را برای کشاندن دو طرف به میز مذاکره بلافاصله پس از روی کار آمدن و شاید حتی قبل از آن به صراحت اعلام کرده است. چند هفته پس از پیروزی خود در انتخابات، او کیت کلوگ، یک ژنرال بازنشسته و یک مقام ارشد سابق را به عنوان فرستاده ویژه در امور روسیه و اوکراین معرفی کرد و تأکید بر اولویتی که او و دولتش برای پایان دادن به جنگ خواهند داشت. این تغییر رادیکال و بنیادی آینده در رویکرد آمریکا به جنگ می‌تواند مذاکراتی را که از ماه آوریل سال ۲۰۲۲ عملاً غیرفعال بوده‌اند، احیا کند. در آن زمان، در هفته‌های اول جنگ، روسیه و اوکراین چندین

## چرا ایران ۳۰ میلیارد دلار از سوریه می‌خواهد؟



### تی‌آرتی آبشک با یا!

هفته گذشته، اظهارات اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران درباره بدهی تهران به سوریه، گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های شدیدی را در محافل دیپلماتیک برانگیخت.

بقایی خاطر نشان کرد: دولت جدید سوریه تمام تعهدات مالی سوریه در قبال ایران را بر اساس اصل جانشینی دولت پس از سقوط بشار اسد، متحد دیرینه تهران، بر عهده خواهد گرفت که این امر پرسش‌هایی را در مورد آینده روابط تهران با دولت موقت سوریه ایجاد می‌کند. ناظران همراه با اظهارات وی در مورد بازگشایی سفارت ایران در سوریه پس از «حصول شرایط لازم»، در تلاشند تشخیص دهند که آیا لفاظی ایران مقدمه‌ای برای ادعاهای مالی است یا یک مانور استراتژیک برای تأثیرگذاری بر دولت جدید در دمشق تلقی می‌شود. ایران مدعی است که در ۱۲ سال گذشته

کرده است که به دولت اسد این امکان را می‌دهد تا اقتصاد خود را در میان یک درگیری طولانی مدت حفظ کند. این اسناد سال گذشته پس از هک کردن وبسایت وزارت خارجه ایران توسط گروه هکریست «قیام تا سرنگونی» مرتبط با مجاهدین خلق مستقر در آلبانی منتشر شد و همچنین نشان داد که تهران از سوریه حمایت نظامی و مالی کرده است. <https://B2n.ir/p51949>

گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران که از حکومت اسد حمایت می‌کردند. کمک‌های مالی ایران به سوریه در زمان حکومت اسد چندوجهی بوده و شامل کمک‌های مستقیم پولی، ارسال نفت، حمایت نظامی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی می‌شود. اسناد فاش شده از وزارت امور خارجه ایران نشان می‌دهد که ایران بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ به سوریه تقریباً ۱۱ میلیارد دلار نفت ارائه

مبالغ قابل توجهی برای حمایت از بشار اسد سرمایه‌گذاری کرده است و برخی از مقامات ایرانی ادعا می‌کنند که این رقم می‌تواند بیش از ۳۰ میلیارد دلار باشد. در همین حال، ابوالفضل زهروند، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، سرمایه‌گذاری ایران در سوریه را یک «ضرورت راهبردی» توصیف کرده است. با این حال، بعید است این امر با دولت جدید دمشق منطبق باشد که سال‌ها درگیری با

## سوریه؛ جولانگاهی برای قدرت‌نمایی ترکیه و اسرائیل

غرب آسیا با هم رقابت می‌کنند». همانطور که دونالد ترامپ روز دوشنبه اشاره کرد، ترکیه کلید سوریه را در دست دارد. آنکارا حامی هیئت تحریر الشام و ارتش ملی سوریه است. از آنجایی که ترکیه اکنون توانسته است مستقیماً یک منطقه وسیع در شمال سوریه را کنترل کند، سابقه قبرس به ذهن متبادر می‌شود: دیر یا زود انتظار می‌رود که این کشور عملاً یا حتی قانونی، پس از یک referendum، سرزمینی که نیروهای نیابتی خود را در آن قرار داده است، ضمیمه کند.

اما ترکیه تنها همسایه سوریه نیست که از سقوط اسد استفاده کرده است. اسرائیل همچنین به سوریه حمله کرده است. جمعیت دروزی‌های محلی در حال حاضر خواستار الحاق منطقه جولان به اسرائیل هستند. هدف رئیس‌جمهور ترکیه، احیای امپراتوری عثمانی است، در حالی که نتانیاها به اسرائیل بزرگ چشم دوخته است. <https://tinyurl.com/248jf5xp>



یک تحریم تجاری و یک پرونده نسل‌کشی علیه اسرائیل را مطرح کرد، گفت: ما به‌عنوان جمهوری ترکیه، در حال حاضر همه روابط خود را با اسرائیل قطع کرده‌ایم. بنیامین نتانیاهاو نیز در توییتهی اردوغان را «دیکتاتور ترکیه» خوانده است. گیدئون راچمن از فایننشال تایمز نوشت: «نتانیاهاو اردوغان برای تبدیل شدن به نیروهای قوی

که در معرض خطر بوده است. در شرایطی که تل‌آویو در حال جنگ علیه تهدید وجودی در غزه و لبنان است، آنکارا مشتاق است خود را به‌عنوان قهرمان و محافظ مسلمانان در غرب آسیا بازبانی نموده و آرمان فلسطین را احیا کند. یک ماه پیش اردوغان تصمیم خود را برای قطع روابط با اسرائیل اعلام کرد. وی در حالی که در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح

### بروکسل سیگنال کنستانتینوس بوگدانوس

ترکیه و اسرائیل قرار است رقبای سرسخت ژئوپلیتیکی باشند. آن‌ها از مخالفان تاریخی هستند و به‌ویژه در سال‌های گذشته اغلب درگیر مبادلات داغ دیپلماتیک یا نه‌چندان دیپلماتیک بوده‌اند. با این حال، اخیراً به نظر می‌رسد که آن‌ها به‌طور هماهنگ در سوریه همکاری می‌کنند. روابط اسرائیل و ترکیه مدتی است



## چند جانبه گرایی می تواند ترامپ را نجات دهد

سورین

سیاست خارجی آمریکا

موضوع: سیاست خارجی آمریکا

باشند که او را مجبور به ماندن در سازمان هایشان کنند. به عنوان مثال، گنجاندن جریمه های خروج می تواند از لغو معاهده جلوگیری کند. فرآیندهای طولانی خروج، مانند تأخیر یک ساله مورد نیاز بر اساس توافق پاریس، زمان را برای بسیج مخالفان داخلی یا تغییر رهبری سیاسی فراهم می کند.

سازمان های بین المللی مدت هاست که برای تداوم کار خود به حمایت عمومی متکی بوده اند، اما در سال های اخیر تلاش کرده اند تا با توده ها محاکمه شوند، زیرا رهبران پوپولیست خشم ضد جهانی را برانگیخته اند؛ بنابراین، مقابله با خصومت رئیس جمهور آینده نه تنها مستلزم تعامل مستقیم با وی، بلکه یافتن راه هایی برای مدیریت و کنترل حمایتش است. با کار مخفیانه، سازمان های بین المللی می توانند به ترامپ اجازه دهند بی سروصدا از مزایای چند جانبه گرایی بهره ببرد و در عین حال از او در برابر هزینه های سیاسی محافظت کند.

<https://B2n.ir/g93569>



خارج شود. او به ویژه از سازمان بهداشت جهانی [WHO] و سازمان تجارت جهانی [WTO] انتقاد کرده است. اگر کار کردن در اطراف ترامپ غیرممکن باشد، گروه ها می توانند با افزایش هزینه های خروج، به دنبال راه هایی

در دوره اول ریاست جمهوری خود از معاهده آب و هوایی پاریس، یونسکو و شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد، زیرا آن ها را به عنوان تنبیه برنامه «اول آمریکا» خود می دید. او می تواند در دولت دوم خود از سازمان های بیشتری

فاران افروز

الیسن کارنگی / ریچارد کلارک |

دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا، بی اعتنایی خود را نسبت به تعهدات بین المللی کشورش کاملاً آشکار کرده است. در طول دوره اول ریاست جمهوری خود، او نهادهای چند جانبه را محکوم می کرد و از آنچه به عنوان نخنگان بی مسئولیت و «جهانی گرا» توصیف می کرد، انتقاد کرد. او از توافقات کلیدی مانند توافق پاریس خارج شد و از سازمان هایی که ستون اصلی نظم بین المللی لیبرال را تشکیل می دهند، جدا شد. وفادار به اخلاق پوپولیستی خود، او در برابر محدودیت های تحمیل شده توسط چند جانبه گرایی مقاومت کرد و در عوض ترجیح داد «آمریکا را در اولویت قرار دهد».

ترامپ می تواند سازمان های بین المللی را از طرق مختلف تضعیف کند. مستقیماً، او می تواند آمریکا را از نهادهای توافقات کلیدی خارج کند. به عنوان مثال، ترامپ

## معضل چین برای ترامپ



کوئینسی

مایکل تی کلرا

دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا با چالش های متعددی در زمینه سیاست خارجی مواجه است، اما هیچ کدام به اندازه چین پیچیده نیستند. اطرافیان ترامپ چین را بزرگ می دانند و معتقدند این کشور تهدیدی برای سلطه جهانی آمریکا است. توانایی های نظامی، روابط دیپلماتیک و فناوری های پیشرفته چین، سلطه آمریکا در غرب اقیانوس آرام و همچنین اتکالی این کشور به کالاهای حیاتی آمریکا را تهدید می کند. ترامپ باید تصمیم بگیرد که «آیا با پکن معامله کند یا با آن مقابله کند؟»

مبارزه با معامله؟ والتز و روبیو، مشاوران امنیت ملی ترامپ از قوانینی برای مهار تلاش های چین در آمریکا و خارج از آن حمایت کردند. با این حال، تمایل ترامپ به معامله و تحسین شی جین پینگ ممکن است او را به دنبال رویکردی معاملاتی تر و افزایش فشار اقتصادی و نظامی بر پکن برای دادن امتیازات سوق دهد. این پویایی پیچیده در روابط اصلی آمریکا و چین ظاهر خواهد شد و ترامپ را مجبور می کند که بین

ترامپ با انتخاب بین اقدام تنبیهی و گزینه های معاملاتی در اعمال تعرفه ها و مشکلات اقتصادی بر چین، از جمله تعرفه ۱۰ درصدی بر واردات چین، روبرو است. ترامپ در مدیریت روابط آمریکا و چین با چالش هایی از جمله تایوان، تجارت، قاطعیت قدرت دریایی چین، حمایت جنگی از روسیه و سرمایه گذاری های روبه رشد چین مواجه است.

<https://B2n.ir/y40886>

بی ثبات کننده ای را مطرح می کند، از جمله اینکه «آیا باید از «وضوح استراتژیک» استقبال کرد و حضور نظامی آمریکا در منطقه را گسترش داد؟» ترامپ از تایوان خواسته است تا برای دفاع بیشتر هزینه کند و در صورت تهاجم چین نسبت به اقدامات اقتصادی سخت گیرانه هشدار داده است. اقدامات او به طور بالقوه می تواند به یک جنگ هسته ای بالقوه با چین منجر شود. جنگ تجاری با هم زیستی اقتصادی؟

غرایز معاملاتی خود و تمایلات ایدئولوژیک خشن مشاورانش انتخاب های مهمی انجام دهد. مواضع ترامپ در قبال تایوان بسیار مهم است، زیرا به طور بالقوه می تواند منجر به درگیری هسته ای شود. آمریکا از سال ۱۹۷۹ مدافع منطقه «چین واحد» بوده و حمایت نظامی از تایوان را افزایش داده و فشار شدیدی را بر چین وارد کرده است. موضع دولت ترامپ مسائل

# ترامپ می خواهد امپراتوری آمریکا را احیا کند



## پالیتیکس تیموتی نوح

به نظر می رسد چیزی در مورد فصل تعطیلات الهام بخش نوستالژی برای امپراتوری آمریکا باشد، دوران از ۱۸۹۸ تا دهه اول قرن بیستم که آمریکا به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت امپراتوری بود. اکنون دونالد ترامپ کریسمس را تهدید به بازپس گیری کانال پاناما که کنگره کنترل آن را در سال ۱۹۷۸ به پاناما واگذار کرد، جشن می گیرد و با تصرف گرینلند از دانمارک، اتفاقات جدیدی به وجود خواهد آمد. تادسامبر ۲۰۰۳، نیروهای آمریکا صدام حسین را در عراق سرنگون کردند. عملیات رزمی تادسامبر ۲۰۱۱ به پایان نرسید (و حتی امروز نیز حدود ۲ هزار و ۵۰۰ سرباز باقی مانده اند). یک سال قبل، جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور دکتربین نظامی «پیشگیری» را پذیرفته بود که به اقدام پیش بینی کننده برای دفاع از خود اجازه می داد، حتی اگر در مورد زمان و مکان حمله دشمن ابهام وجود داشته باشد.

اظهارات ترامپ در مورد کانال پاناما روز شنبه در شبکه Truth Social ظاهر شد و در تجمعی که ترامپ روز بعد در آرژونوا برگزار کرد، تکرار شد.

ترامپ در شبکه Truth Social نوشته بود: «کانال پاناما یک دارایی ملی حیاتی برای آمریکا محسوب می شود. آنجا برای

آمریکا ساخته شد؛ ۳۸ هزار مرد آمریکایی بر اثر پشه های آلوده در جنگل ها در طول ساخت وساز جان باختند». ترامپ نوشت، کارتر «احمقانه آن را داد» و اکنون «هزینه هایی که پاناما دریافت می کند مضحک است.» اگر اصول اخلاقی و قانونی این ژست بزرگوارانه رعایت نشود، ما خواهان بازگرداندن کانال پاناما به طور کامل و بدون تردید به آمریکا خواهیم بود.

لفاظی های ترامپ منعکس کننده شعار جنگ طلبانه رونالد ریگان در مورد کانال پاناما زمانی است که ریگان ناموفق در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۶ شرکت کرد. ریگان در آن زمان گفت: «ما آن را خریدیم، ما هزینه آن را پرداخت کردیم، این مال ماست و ما باید رهبر پاناما باشیم».

اگر ما حاکمیت را بر فدکاری جان هادر ساخت کانال پاناما استوار کنیم، آنگاه این آبراه حقاً به فرانسه تعلق خواهد داشت که ساخت آن در سال ۱۸۸۱ آغاز شد و هفت سال بعد پس از دست دادن حدود ۲۰ هزار کارگر، پروژه را به آمریکا رها کرد. بعلاوه، کارتر هرگز کانال را «دست نداد» زیرا این کانال هرگز به آمریکا تعلق نداشت، نکته ای که کارتر در سخنرانی خود در فوریه ۱۹۷۸ به ملت توضیح داد. کارتر گفت: «ما هرگز بر آن حاکمیت نداشتیم. آمریکا هرگز

کانال را «خرید» نکرد، بلکه آن و منطقه کانال اطراف آن را از پاناما اجاره کرد و سالانه هزینه این امتیاز را پرداخت کرد». پس از اینکه خوزه راثول مولینو، رئیس جمهور پاناما به ترامپ پاسخ داد که «هر متر مربع از کانال پاناما متعلق به پاناما است و همچنان متعلق به پاناما خواهد بود»، ترامپ آن را با این نظر بازنشر کرد: «خواهیم دید!» پاناما برای عبور از کانال ۴۰۰ هزار دلار از کشتی ها دریافت می کند. این برای فرستنده های چند میلیارد دلاری و تأمین کنندگانی که از آن استفاده می کنند به سختی مخرب است. ترانزیت در سال های اخیر آهسته شده است، زیرا خشکسالی سطح آب را در کانال کاهش داده و به نوبه خود تعداد کشتی هایی را که می توانند از آن عبور کنند کاهش می دهد. این امر به نوبه خود منجر به ایجاد ترافیک در زنجیره تأمین شد.

خرید گرینلند از دانمارک پروژه ای است که ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود پیشنهاد کرد و آن را «یک معامله بزرگ املاک و مستغلات» نامید. نخست وزیر دانمارک در آن زمان گفت که گرینلند برای فروش نیست (که باعث شد ترامپ سفر خود را به دانمارک لغو کند). در واقع، با توجه به توافقنامه تقسیم قدرت که بر اساس آن بزرگترین جزیره جهان عمدتاً خود را اداره می کند،

مشخص نیست که دانمارک بتواند گرینلند را در صورت تمایل بفروشد. گرینلند از قرن هجدهم تا سال ۱۹۵۳ مستعمره دانمارک بود و در آن زمان به یک ناحیه دانمارکی با دو نماینده در پارلمان تبدیل شد. در سال ۱۹۷۹ گرینلند تقریباً به طور کامل خودمختار شد. با این حال، ترامپ روز یکشنبه (در حالی که در شبکه Truth Social اعلام کرد که کن هاوری انتخاب او برای سفیر در دانمارک است) پست کرد: «برای اهداف امنیت ملی و آزادی در سراسر جهان، آمریکا احساس می کند که مالکیت و کنترل گرینلند یک ضرورت مطلق است». این بار این پیشنهاد توسط نخست وزیر خود گرینلند رد شد.

چرا ترامپ گرینلند را می خواهد؟ ارتش ما قبلاً در آنجا پایگاه دارد، بنابراین نمی تواند برای دفاع ملی باشد. این جزیره از نظر منابع طبیعی غنی است، از جمله چند ماده معدنی کمیاب با اهمیت تجاری و البته نفت (اگرچه آمریکا در حال حاضر مقدار زیادی از آن را در اختیار دارد). کریستوفر اینگراهام از واشنگتن پست در سال ۲۰۱۹ تخمین زد که وجود این منابع طبیعی قیمت آن را به ۱٫۷ تریلیون دلار می رساند که به این معنی است که خرید گرینلند احتمالاً امروز بیش از ۲ تریلیون دلار هزینه دارد.

<https://B2n.ir/j78045>



# دلارزدایی و اهمیت آن در جهان

سورینس

افول آمریکا

روزنامه



## پی دالبیو دیگشا دیکزیت |

دلارزدایی به زبان ساده به معنای کاهش یا حذف استفاده از دلار آمریکا در اقتصاد یا معاملات مالی یک کشور است. این فرایند شامل کشورهای و مشاغل می‌شود که به دنبال جایگزینی برای دلار برای انجام معاملاتشان هستند. ایده کاهش وابستگی به دلار آمریکا و تنوع بخشیدن به ذخایر ارزی در تجارت جهانی اخیراً بسیار مطرح شده است، به خصوص زمانی که دونالد ترامپ تهدید کرد در صورت ادامه تلاش برای دلارزدایی، تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی را بر کشورهای بریکس اعمال خواهد کرد، بیشتر خبرساز شد.

کشورها سعی می‌کنند از سلطه دلار آمریکا در بازار جهانی دور شوند. دلار آمریکا از زمان توافقنامه برتون وودز در سال ۱۹۴۴، ارز غالب جهانی بوده است. این ارز به طور گسترده برای تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و به عنوان ارز ذخیره استفاده می‌شود. با این حال، بسیاری از کشورهای اکنون به دنبال جایگزین‌هایی برای کاهش خطرات مرتبط با وابستگی به دلار هستند. دلارزدایی شامل مجموعه‌ای از اقدامات مانند جایجایی ذخایر ارزی خارجی، انجام تجارت با ارزهای محلی، یا استفاده از سایر ارزهای بین‌المللی مانند یورو، یوان چین یا ارزهای منطقه‌ای به جای دلار آمریکا است. دلایل پشت دلارزدایی چیست؟ عوامل متعددی در روند روبرو شدن دلارزدایی نقش دارند، از جمله: تحریم‌های اقتصادی؛ افزایش تحریم‌های آمریکا، به ویژه بر کشورهایمانند روسیه و ایران، آن‌ها را به جستجوی جایگزین‌هایی برای معاملات مبتنی بر دلار سوق می‌دهد؛ عدم تعادل تجاری؛ کسری تجاری آمریکا بازار جهانی را پر از دلار می‌کند و سایر کشورها را تشویق می‌کند تا ذخایر خود را به ارزهایی مانند یورو، یوان یا طلا تغییر دهند؛ تنش‌های ژئوپلیتیکی؛ کشورهایمانند نگران نفوذ آمریکا هستند، وابستگی به دلار را برای تقویت حاکمیت و محافظت در برابر فشارهای خارجی کاهش می‌دهند؛ ارزهای جایگزین؛ با افزایش قدرت اقتصادی اقتصادهای نوظهور

مانند چین، هند و برزیل، آن‌ها به دنبال استفاده از ارزهای خود برای تجارت و سرمایه‌گذاری برای تقویت و رشد بیشتر خود هستند؛ در نهایت پیشرفت‌های فناوری؛ ارزهای دیجیتال و فناوری بلاک چین، معاملات برون مرزی را بدون دلار امکان‌پذیر می‌سازد و ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) گزینه‌های تجاری جدیدی را ارائه می‌دهند. در کنار تأثیر دلارزدایی، این موضوع هم بر اقتصاد جهانی و هم بر اقتصاد ملی قابل توجه است. تغییر در تجارت جهانی، مهم‌ترین این موارد است که با دور شدن کشورها از دلار، تجارت جهانی ممکن است شاهد استفاده بیشتر از ارزهای منطقه‌ای، تقویت مشارکت‌های تجاری و کاهش تسلط غرب باشد. تغییرات در الگوهای سرمایه‌گذاری؛ سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه را به کشورهایمانند کمترین به دلار وابسته هستند منتقل کنند و فرصت‌های جدیدی را در بازارهای نوظهور ایجاد کنند. تأثیر بر قدرت اقتصادی آمریکا؛ دور شدن از دلار می‌تواند نفوذ اقتصادی آمریکا را تضعیف کند، قدرت آن را برای اعمال تحریم‌ها کاهش دهد و دنیای چند قطبی تری را شکل دهد. اتحادیه‌های اقتصادی جدید؛ در حالی که کشورها به دنبال جایگزینی برای دلار آمریکا هستند، ممکن است اتحادیه‌های اقتصادی جدیدی ایجاد کنند و روابط خود را با سایر کشورها با استفاده از همان

ارز تقویت کنند. با این حال، دلارزدایی همچنین می‌تواند نوسانات در بازارهای ارز را افزایش دهد و نرخ ارز را کمتر ثابت کند و چالش‌هایی را برای کسب و کارها و سرمایه‌گذاران ایجاد کند. جنبش دلارزدایی؛ جنبش دلارزدایی در سراسر جهان، به ویژه در میان کشورهایمانند که از تسلط دلار آمریکا ناراضی هستند، شتاب بیشتری می‌گیرد. کشورهایمانند بیشتر در حال امضای قراردادهای تجاری دوجانبه هستند که امکان انجام معاملات با ارزهای محلی را فراهم می‌کند. به عنوان مثال، هند و روسیه شروع به تسویه مبادلات تجاری با ارزهای مربوطه خود کرده‌اند و وابستگی به دلار را کاهش داده‌اند. علاوه بر این، تلاش‌هایی برای ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین، مانند سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین (CIPS) و توسعه ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) در حال انجام است. حال باید ارتباط دلارزدایی و بریکس را بررسی کنیم؛ کشورهایمانند بریکس در خط مقدم جنبش دلارزدایی قرار دارند و به طور فعال ذخایر ارزی خود را متنوع می‌کنند تا قرار گرفتن در معرض دلار آمریکا را کاهش دهند. هدف این استراتژی افزایش ثبات مالی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی است.

<https://shorturl.at/WilOM>

# تحولات میان آسیا و آمریکا در سال جدید

مناقشه برای اطمینان از دست نخورده ماندن آزادی کشتیرانی در منطقه بسیار مهم است. سیاست خارجی آمریکا در سال ۲۰۲۵ تحت سلطه جنگ در اوکراین، درگیری بین اسرائیل و غزه، بحران سوریه و کره شمالی متخاصم خواهد بود. این دومی احتمالاً یکی از بزرگ ترین دردهای آسیایی را برای دولت جدید واشنگتن ایجاد خواهد کرد. کیم جونگ اون در مورد گسترش برنامه تسلیحات هسته ای خود صحبت کرده است و اکنون شریکی نزدیک در مسکو دارد تا به او در دستیابی به این اهداف کمک کند. در مقابل، کیم سربازان کره شمالی را فرستاد تا از طرف روسیه در خط مقدم اوکراین بجنگند. این همکاری احتمالاً قوی تر می شود، زیرا ولادیمیر پوتین به دنبال سرکوب مخالفان خود است.

روابط روبه رشد شمال با روسیه در زمانی اتفاق می افتد که متحد کلیدی آمریکا در آن سوی مرز به مشکلات سیاسی داخلی خود مشغول است. مشکلات کره جنوبی تازه شروع شده است و در چند ماه آینده انتخابات برگزار می شود. تغییر احتمالی در رهبری ممکن است منجر به دولتی شود که نسبت به پکن گرم تر از دولت ریاست جمهوری یون سوک یول باشد که به سمت واشنگتن متمایل شده بود. به استثنای چین، آسیا اغلب اولویت سیاست خارجی دولت های قبلی آمریکا نادیده گرفته شده است. بایدن برای تجدید حضور واشنگتن در منطقه تلاش کرد و ترامپ باید بر آن استوار باشد.

<https://B2n.ir/w08765>



## بلومبرگ کریشما واسوانی |

جنگ تجاری قریب الوقوع بین دو ابرقدرت جهان، تنش ها در تایوان و دریای چین جنوبی و کره شمالی نآرام احتمالاً بر دستور کار سیاسی آسیا در سال ۲۰۲۵ مسلط خواهند شد. مسائل زیادی به رابطه منطقه با دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا بستگی دارد. در اولین دوره ریاست جمهوری خود، سیاست «آمریکا اول»، او متحدان منزوی را دنبال و با پکن و پیونگ یانگ دشمنی کرد.

احیای موفقیت آمیز رفاقت بین شی جین پینگ و همتای آمریکایی اش، تعیین خواهد کرد که رقابت استراتژیک آن ها در دولت دوم ترامپ چگونه انجام می شود. تهدید او مبنی بر اعمال حداقل ۶۰ درصد تعرفه بر کالاهای چینی هرگز دور از ذهن پکن نیست. اقتصاد بلومبرگ تخمین می زند که این تعرفه ها در نهایت می تواند ۸۳ درصد از صادرات چین به آمریکا را کاهش دهد. در زمان کاهش رشد، رکود دارایی و از دست دادن مشاغل، شی مشتاق یافتن راه هایی برای کاهش خطرات یک جنگ تجاری دیگر است. هر چه زودتر یک ملاقات حضوری برگزار شود، تلاش های پکن برای دستیابی به توافق بهتر خواهد بود. در همین حال، واشنگتن چشم به گسترش نظامی چین خواهد داشت که در طول سال به افزایش اندازه و جاه طلبی خود ادامه داده است. فیلیپین نیز باید برای سال ۲۰۲۵ دشوار آماده شود. مانیل با وابستگی شدید خود به آمریکا، به ویژه در

معرض خطر قرار گرفته است. آیا پیوندهای آن ها مستحکم خواهد ماند یا پکن می تواند باعث تفرقه شود؟ سوزانا پاتون، مدیر برنامه آسیای جنوب شرقی در مؤسسه لووی مستقر در سیدنی به من گفت: «در مورد ترامپ این امر واقعاً معامله ای است: او به این فکر خواهد کرد که «من از این اتفاق چه سودی می برم». این امر تعیین خواهد کرد که آیا واشنگتن مجبور به پاسخگویی در صورت نیاز به کمک مانیل است یا خیر. این سناریو کار فردیناند مارکوس جونیور، رئیس جمهور فیلیپین را آسان نمی کند تا به مبارزه تنهایی خود علیه چین در دریای چین جنوبی ادامه دهد، چیزی که نیروی دریایی او امسال شجاعانه به راه انداخت. حفظ فشار بر اقدامات پکن در آبراه مورد

## ان پی آر

### خواهان صلح و همدستی با اسرائیل هستیم

ماهر مروان، استاندار دمشق، در گفت و گو با رادیو ملی آمریکا، «ان پی آر»، به نمایندگی از رهبر سوریه، احمد الشرع اعلام کرد که دولت جدید این کشور به دنبال برقراری «روابط خوب» با رژیم صهیونیستی است. او در این مصاحبه که روز پنجشنبه ششم دی ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، اشاره کرد که ترس اولیه اسرائیل پس از سقوط حکومت بشار اسد، «قابل درک و طبیعی» بود و افزود: «ممکن است اسرائیل در آن زمان احساس ناامنی کرده باشد و به همین دلیل به اقداماتی مانند پیشروی و بمباران های محدود روی آورد». استاندار دمشق همچنین بر تمایل دولت جدید سوریه به صلح تأکید کرد و گفت: «ما هیچ ترسی از اسرائیل نداریم و مشکل ما با این کشور نیست. مردمی وجود دارند که خواهان همدستی و صلح هستند و نمی خواهند اختلافات ادامه یابد». وی ادامه داد: «ما به دنبال صلح هستیم و نمی توانیم در برابر اسرائیل یا هیچ کشور دیگری موضع خصمانه داشته باشیم».

<https://B2n.ir/t59526>

## سایر خبرها

## تایمز اسرائیل

### کارما با حوثی ها تازه شروع شده است

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، پس از حمله جنگنده های این کشور به مواضع حوثی ها در یمن، در یک برنامه تلویزیونی گفت: «کار ما با حوثی ها تازه شروع شده است». نتانیاهو با اشاره به آغاز حملات بر علیه منافع حوثی های مورد حمایت جمهوری اسلامی در یمن افزود: «ما تازه شروع کرده ایم. ما اجازه نخواهیم داد آن ها بار دیگر به ما حمله کنند. ما پایان تلخی برای حوثی ها رقم خواهیم زد تا درس عبرت شوند؛ همانطور که وعده دادیم و حماس، حزب الله و سوریه اسد درس عبرت شدند و عبرت گرفتند». اسرائیل پیش تر در روز پنجشنبه و در میانه نطق «پیروزی» عبدالملک الحوثی، رهبر حوثی ها، مواضع این گروه وابسته به حکومت جمهوری اسلامی ایران را در صحنه هدف حملات هوایی قرار داد. باند اصلی، برج مراقبت و یک هواپیما در فرودگاه بین المللی صنعا، از جمله اهداف عملیات ارتش اسرائیل بودند. ویدیوهای منتشر شده توسط «اسکای نیوز عربی» نیز حاکی از وقوع آتش سوزی در فرودگاه صنعا بر اثر حملات هوایی اسرائیل است.

<https://B2n.ir/b58107>



# نگرش نوین ایرانی به امنیت و شکوفایی منطقه‌ای



## اکنومیست

### محمد جواد ظریف

من به‌عنوان یک دانشجوی روابط بین‌الملل با چندین دهه در خط مقدم دیپلماسی جهانی، این رانه به‌عنوان نماینده دولت ایران، بلکه صرفاً در مقام شخصی خود می‌نویسم. تجارب من به من آموخته است که دستیابی به ثبات در غرب آسیا، به‌ویژه منطقه خلیج فارس، به‌جیزی بیش از مدیریت بحران نیاز دارد. این امر نیازمند ابتکارات جسورانه و رویایی است. من ایجاد «انجمن گفت‌وگو مسلمانان غرب آسیا» [MWADA] را به‌عنوان مکانیزی برای دستیابی به این تحول پیشنهاد می‌کنم.

[MWADA] از همه کشورهای اصلی مسلمان در غرب آسیا از جمله بحرین، مصر، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان، (دولت آینده) سوریه، ترکیه، امارات و یمن دعوت می‌کند تا تعامل کنند. در مذاکرات جامع نمایندگان مربوطه از سازمان ملل نیز می‌توانند شرکت کنند. این ابتکار باید مبتنی بر ارزش‌های متعالی اسلام، دین مشترک ما و بر اساس اصول حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم مداخله و امنیت جمعی باشد. [MWADA] به معنای «رفاقت» در عربی، زبان دعا‌های جمعی ما، باید به‌منظور تقویت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت‌های عادلانه باشد.

یک اولویت کلیدی برقراری آتش‌بس پایدار و دائمی فوری در غزه، لبنان، سوریه و یمن است. یک پیمان عدم تجاوز بین کشورهای [MWADA]، همراه با نظارت جمعی منطقه‌ای، به نهادهای سازی ثبات و حفاظت از منطقه در برابر مداخلات خارجی و همچنین درگیری‌های داخلی کمک خواهد کرد.

مسئله قبل از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ وجود داشت و تا زمانی که ریشه‌های آن پابرجا باشد، ادامه خواهد داشت. تلاش برای نسبت دادن آن به ایران ممکن است در خدمت کارزار روابط عمومی باشد، اما مانع هرگونه قطعنامه خواهد شد. ایران نیز مانند همه ملت‌ها با چالش‌ها و گام‌های نادرست مواجه بوده است. مردم ایران با تحمل فداکاری‌های قابل توجه، اکنون آماده هستند تا گام‌های شجاعانه بردارند. این تغییر از دیدگاه تهدید محور به دیدگاه فرصت محور با دیدگاهی که دکتر پزشکیان (و من) در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری تابستان گذشته در ایران ترسیم کرده بود، هم‌سومی شود.

[MWADA] ما را به چالش می‌کشد تا دوباره منطقه رانه به‌عنوان یک میدان جنگ، بلکه به‌عنوان یک مرکز مواد، دوستی و همدلی که با جست‌وجوی فرصت‌های مشترک و رفاه جمعی مشخص می‌شود، تصور کنیم. شرکت در گفت‌وگوهای ضروری است که به ما امکان می‌دهد آینده‌ای را بسازیم که با همکاری، توسعه مشترک و پایدار، عدالت اجتماعی و رفاه و امید دوباره تعریف می‌شود.

تبدیل غرب آسیا به چراغ صلح و همکاری فقط یک آرزوی آرمانی نیست. این هم یک الزام استراتژیک و هم یک هدف دست‌یافتنی است که فقط به تعهد، گفت‌وگو و یک چشم‌انداز مشترک نیاز دارد. [MWADA] می‌تواند بستر تحول باشد. اجازه دهید از این فرصت برای ساختن یک غرب آسیای باثبات، مرفه و صلح‌آمیز استفاده کنیم، جایی که همدلی، تفاهم و همکاری جایگزین اختلاف و تفرقه شود.

<https://B2n.ir/q24396>

مانند سایر شرکت‌کنندگان، ایران نقشی ضروری ایفا خواهد کرد. در طول ۴۵ سال گذشته، کشور من انعطاف‌پذیری و خودکفایی قابل توجهی در امنیت و دفاع از خود نشان داده است و توانسته است زنده بماند و حتی پیشرفت کند. فقدان وابستگی متقابل در غرب آسیا ناشی از شبکه‌های تجاری پراکنده، توجه ناکافی به توسعه بانکداری درون منطقه‌ای و مکانیزم‌های پرداخت، رقابت‌های سیاسی و اتکا به بازارهای خارجی است.

تصور عمومی از دست‌دادن سلاح‌های ایران در منطقه ناشی از این فرض غلط است که ایران روابط نیابتی و حامی‌بانی‌روهای مقاومت داشته است. مقاومت ریشه در اشغال سرزمین‌های عربی توسط اسرائیل و هتک حرمت اماکن مقدس اسلامی، آبارتاید، نسل‌کشی و تجاوز مداوم به همسایگان دارد که این

## سایر حوزه‌ها

### ایندپندنت

## جمهوری اسلامی و روسیه قبل از تحلیف ترامپ توافق نامه جدید امضای کنند

جمهوری اسلامی ایران قصد دارد تا قبل از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و تشدید تحریم‌های بین‌المللی، توافق نامه جامع همکاری با روسیه را که پیش‌نویس آن از حدود سه سال قبل آماده شده است، امضا کند. حکومت ایران همچنین در پی افزایش همکاری‌های تجاری و اقتصادی با چین است. به همین منظور، مسعود پزشکیان به روسیه سفر خواهد کرد. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز صبح جمعه هفتم دی ماه راهی چین شد. مسعود پزشکیان نیز روز بیست و هشتم دی ماه به روسیه سفر می‌کند تا توافق نامه جامع همکاری بین ایران و روسیه به امضای روسای جمهور دو کشور برسد. پیش از او نیز اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری هفتگی گفت که احتمالاً توافق نامه جدید ایران و روسیه تا پایان ماه ژانویه سال جدید میلادی امضا می‌شود. پس از آن نیز نیوزویک در گزارشی اعلام کرد که روسیه و ایران قصد دارند در روزهای قبل از مراسم تحلیف دونالد ترامپ، با امضای یک توافق نامه جدید راهبردی سطح روابط دوجانبه را ارتقا دهند.

<https://B2n.ir/d56582>

### صدای آمریکا

## حکومت ایران تهدیدی علیه اسرائیل و اوکراین است

گیدئون ساعر، وزیر خارجه اسرائیل، خبر داد که با آندری سبیبها، همتای اوکراینی خود، در سی و سومین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک بین دو کشور در مورد تحولات جاری در غرب آسیا و اوکراین گفت‌وگو کرده است. وزیر خارجه اسرائیل در شبکه اجتماعی «ایکس» ضمن تأکید بر این نکته که حکومت ایران «تهدیدی علیه هر دو کشور است»، افزود: «من بر اهمیت نامگذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی در پارلمان اوکراین تأکید کردم.»

وی نوشت: «من حمایت اسرائیل از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین و نگرانی خود را در مورد حملات اخیر روسیه به شهرهای اوکراین تکرار کردم.»

ساعر همچنین اشاره کرد که در گفت‌وگو با سبیبها «اقدامات نظامی و دیپلماتیک اسرائیل علیه تجاوزات حوثی‌ها را توضیح داده است.» او در پست دیگری با اشاره به حملات هوایی این کشور علیه «اهداف سازمان تروریستی حوثی در یمن» اعلام کرد که این اقدام پس از حملات این گروه تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل پس از ۱۵ مهر سال گذشته، انجام شده است.

<https://B2n.ir/m06888>

## دخالت ترامپ در قفقاز جنوبی؟

### آبزرور ریسرچ کشوری چوداری / ایوک میشر

به راحتی می توان پیش بینی کرد که دولت دوم ترامپ روی قفقاز جنوبی تمرکز نخواهد کرد، زیرا اجماع گسترده ای مبنی بر اینکه دونالد ترامپ بعید است که درگیری های ژئوپلیتیکی جدیدی را تحت نظارت خود آغاز کند، وجود دارد. البته با توجه به تداوم نفوذ روسیه در منطقه، گشودن جبهه دیگری در حیاط خلوت مسکو ممکن است یک عامل بازدارنده باشد، اما با این حال، با یک نگاه دقیق تر به گروه او و تمایلات آن ها ممکن است موضوع دیگری مطرح باشد؛ مارکوروبیو، وزیر امور خارجه، علیه سابقه حقوق بشری و اقتدارگرایی الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان صحبت کرده است و در گذشته، او همچنین از لایحه ای حمایت کرد که محاصره قره باغ کوهستانی توسط باکورا محکوم می کرد.

علاوه بر این، نتیجه جنگ روسیه و اوکراین و وعده های بزرگ ترامپ در سیاست خارجی در طول مبارزات انتخاباتی اش می تواند آمریکا را در قفقاز نگه دارد. مهم تر از آن، دولت جدید ترامپ وارث برخی از اولویت های سیاستی دولت بایدن، به ویژه تمرکز بیشتر بایدن بر این منطقه در طول تشدید مناقشه قره باغ خواهد بود. در حالی که کشش انزوای طلبانه برای سیاست های دولت ترامپ در آینده سنگین خواهد بود، اما نادیده گرفتن ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی برای واشنگتن قطعاً دشوار است، به ویژه با توجه به نقش بزرگ چین، ترکیه و ایران در منطقه که در حال رشد روزافزون است. در ماه ژانویه امسال، بخش باقی مانده از قره باغ کوهستانی، به رغم اینکه از نظر قومی و فرهنگی ارمنی بود، رسماً با آذربایجان ادغام شد. در نتیجه، هزاران نفر از ساکنان آنجا به ارمنستان فرار کردند. در حالی که برنامه آذربایجان برای ایجاد کنترل کامل بر قره باغ کوهستانی روی کاغذ کامل به نظر می رسد، هنوز چندین توافق نامه صلح جاری، مذاکرات و بحث ها در مورد جمعیت آواره قره باغ حل نشده باقی مانده است. همچنین تنش ها بر سر «کریدور زنگزور» که هدف آن اتصال ترکیه و سرزمین اصلی آذربایجان و بررسی مسائل منطقه ای گسترده تر است، باقی است. این مناقشه



ترامپ بسیار بیشتر به ارمنستان علاقه داشته باشد و به احتمال زیاد استراتژی منطقه ای همکاری با دیگر شرکای همفکر خود در قفقاز را شکل دهد. همچنین شریک آمریکا، فرانسه، از سال ۲۰۱۶ در ارمنستان سرمایه گذاری کرده است تا با روسیه و همچنین ترکیه که رقابت تاریخی با آن دارد مقابله کند و برای نفوذ در مدیترانه و آفریقا برتری پیدا کند؛ بنابراین، دولت دوم ترامپ احتمالاً از پیوند مالی یا تجاری با قفقاز جنوبی استفاده می کند یا فرصت های سرمایه گذاری در این منطقه را بررسی می کند.

سرمایه گذاری بالقوه آمریکا در ارمنستان به عنوان «هویج» عمل می کند و مشوق هایی را ارائه می دهد که می تواند ارمنستان را قادر سازد تا به سرعت روابط خود را با روسیه منحل کند. «چماق» در این مورد فشارهایی است که ارمنستان از انزوای خود با آن مواجه است، زیرا در اطراف حامیان آذربایجان و متحدان روسیه قرار دارد که بسیاری از آن ها از ایروان حمایت نمی کنند؛ بنابراین، ارمنستان در شرایطی که همسایه اش گرجستان به سمت سیاست طرفدار کرمین حرکت می کند، تقویت اتحاد آمریکا و خودش را یک در برای سرمایه گذاری های آمریکا می بیند.

<https://tinyurl.com/27h9ntg7>

است. اگرچه بعید به نظر می رسد این سازه تحت تأثیر ساخت و ساز بالقوه زنگزور قرار گیرد، اما تکمیل این پروژه در ماه می سال ۲۰۲۰ باعث اعتراض آذری ها علیه تهران و ایروان شد و مشروعیت مالکیت این سد توسط دو ملت را به چالش کشید.

با کاهش نفوذ روسیه در قفقاز و دخالت محدود آمریکا در منطقه، چندین کشور به تلاش هایشان برای ایجاد پای محکمی در این منطقه ادامه می دهند؛ بنابراین، به دلیل مشارکت فزاینده هند در منطقه، به ویژه از طریق مشارکت با ایران و ارمنستان و همچنین تعاملات چین و پاکستان که با اتحاد آن ها با آذربایجان و ترکیه شکل گرفته است، پیچیدگی های ظریفی پدید آمده است. شاید مهم تر از همه، چین به عنوان یک بازیگر مسلط در شرق اروپا و قفقاز باشد. داده های بانک جهانی نشان می دهد که بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، گردش مالی تجاری چین با ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به ترتیب تقریباً ۲ هزار و ۷۰، ۳۸۰ هزار و ۸۸۷ درصد افزایش یافته است. چین همچنین به عنوان بازار کامل نفت ایران عمل می کند. جنگ مداوم روسیه در اوکراین نیز اهرم اقتصادی چین را از غرب آسیا تا قفقاز افزایش می دهد. دلایل بسیاری وجود دارد که دولت آینده

همچنین توجه بسیاری از کشورها، از جمله بازیگران معمول منطقه و کشورهای جدیدتری مانند هند، چین و پاکستان را به خود جلب کرده است که همگی به دنبال ایجاد جایگاه ژئوپلیتیکی خود در قفقاز بر اساس منافع، تجارت و پویایی قدرت استراتژیک هستند.

کریدور زنگزور، ارمنستان را از ایران که متحد اصلی این کشور در این مناقشه است، جدا می کند. ایران و ارمنستان با یک قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری تسلیحاتی مرتبط هستند و یک شراکت اساسی در انرژی مشترک دارند. ارمنستان در ازای نفت و گاز، برق ایران را تأمین می کند. ایجاد کریدور زنگزور علاوه بر قطع ارتباط ارمنستان با ایران، ایروان و تهران را نیز برای حفظ این خط لوله در اختیار ترکیه و آذربایجان قرار می دهد. علاوه بر این، این دو کشور احتمالاً با چالش های بیشتری مواجه خواهند شد، زیرا تهران قرار است عرضه گاز خود به ایروان را افزایش دهد؛ بنابراین، در سناریویی که زنگزور تأسیس می شود، مؤسسات مشترک ایران و ارمنستان در خطر ناپدید شدن هستند.

ایران و ارمنستان با مشارکت، سد بحث برانگیز خد آفرین را نیز ساخته اند. این نیروگاه برق آبی در منطقه آذربایجان جبرائیل واقع در ارمنستان واقع شده

## سیاست دفاعی کانادا چگونه خواهد شد

**ریل کلیر دینفس  
اندرو لاتام**

شکست دولت ترودو در انتخابات فدرال بعدی، در صورت تحقق، می‌تواند نقطه عطف مهمی برای سیاست دفاعی کانادا باشد. حزب محافظه کار، تحت رهبری پیر پولیور، نشان داده است که قصد دارد به سمت یک رویکرد واقع‌گرایانه‌تر و محدودتر برای دفاع حرکت کند که نه تنها از لیبرال‌های ترودو، بلکه از کاستی‌های قبلی خود حزب محافظه کار در این حوزه نیز فاصله دارد. در حالی که لفاظی‌های سیاسی اغلب از تغییرات معنی‌دار کوتاهی می‌کنند، دولت پولیور این پتانسیل را دارد که زمینه را برای رسیدگی به کمبودهای نظامی دیرینه کانادا فراهم کند.

در زمان نخست‌وزیری جاستین ترودو، سیاست دفاعی کانادا با تعهدات لفاظی و اجرای ضعیف تعریف شده است. به‌رغم وعده‌های مکرر برای دستیابی به هدف هزینه‌های دفاعی ۲ درصد تولید ناخالص داخلی ناتو، کانادا به‌طور مداوم از متحدانش عقب‌تر است و هزینه‌ها در حدود ۱.۴ درصد است. این کمبود بودجه مزمن باعث شده است که نیروهای مسلح کانادا (CAF) برای چالش‌های امنیتی نوظهور در قطب شمال، اقیانوس اطلس شمالی و اقیانوس آرام، مناطقی که برای امنیت کانادا اهمیت حیاتی دارند آماده نباشد. دوره تصدی ترودو همچنین با ناتوانی در مدرن‌سازی فرآیندهای تدارکاتی مشخص شده است و قابلیت‌های کلیدی مانند زیردریایی‌ها و جت‌های جنگنده وجود ندارد.

در حالی که دولت ترودو به دلیل تعهد به جایگزینی ناوگان قدیمی «سی اف-۱۸» با «اف-۳۵» و تقویت سیستم‌های هشدار اولیه NORAD مستحق اعتبار است، این تلاش‌ها با تأخیر و افزایش هزینه‌ها مخدوش شده‌اند. تمایل دولت لیبرال به اولویت دادن به سیاست‌های اجتماعی ترقی‌خواه بر الزامات دفاعی اصلی، متحدان کانادا، به‌ویژه آمریکا را که کانادا را حلقه ضعیفی در چارچوب دفاع جمعی ناتو می‌بیند، بیگانه‌تر



کرده است. فراتر از کمبود بودجه، اولویت‌های استراتژیک دولت ترودو اغلب با واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کانادا نادرست به نظر می‌رسد. در حالی که مشارکت در ابتکارات حفظ صلح و پروژه‌های توسعه بین‌المللی در سیاست خارجی کانادا جایگاهی دارد، این تلاش‌ها به قیمت سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های دفاعی حیاتی تمام شده است. این امر کانادا را در زمینه‌های کلیدی، مانند حاکمیت قطب شمال و امنیت دریایی، جایی که فعالیت‌های متخاصم در حال تشدید است، آسیب‌پذیر کرده است. اعلامیه‌های سیاست حزب محافظه کار حاکی از چرخش به سمت یک موضع دفاعی واقع‌گرایانه‌تر و محدودتر است. برخلاف لیبرال‌هایی مانند ترودو که استراتژی دفاعی آن‌ها اغلب ناشی از تمایل به نمایش کانادا به‌عنوان یک نمونه اخلاقی در صحنه جهانی است، محافظه‌کارانی مانند پولیور به نظر می‌رسد محدودیت‌های قدرت کانادا و اهمیت اولویت دادن به منافع ملی اصلی را به رسمیت می‌شناسند. یک رویکرد واقع‌گرایانه بر تقویت کمک‌های کانادا به دفاع جمعی در ناتو و تقویت حاکمیت در قطب شمال متمرکز خواهد بود. بیانیه‌های اخیر محافظه کاران بر نیاز به برآوردن یا فراتر رفتن از هدف هزینه‌های ۲ درصدی ناتو تأکید کرده‌اند، هدفی

که با تعهدات معاهده‌ای کانادا همسو است و نگرانی‌های دیرینه متحدان را برطرف می‌کند. چنین تغییری به واشنگتن و سایر اعضای ناتو نشان می‌دهد که کانادا در مورد تعهدات خود جدی است و در نتیجه اعتبار خود را در این ائتلاف تقویت می‌کند. یک رویکرد محدود به جای افزایش بیش از حد منابع محدود خود، سرمایه‌گذاری‌های دفاعی را در مناطقی که کانادا می‌تواند کمک‌های معناداری داشته باشد، در اولویت قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، محافظه کاران علاقه خود را برای دستیابی به زیردریایی‌های مدرن با قابلیت عملیات در قطب شمال و اقیانوس آرام شمالی، مناطقی که حاکمیت کانادا با چالش‌های فزاینده‌ای از سوی روسیه و چین مواجه است، ابراز کرده‌اند.

این تمرکز بر قابلیت‌های دریایی و قطب شمال نشان‌دهنده درک الزامات جغرافیایی کانادا و نیاز به ایمن کردن رویکردهای دریایی آن است. تأکید بر واقع‌گرایی به‌ویژه با توجه به نزدیکی کانادا به آمریکا و مسئولیت‌های دفاعی مشترک از طریق NORAD بسیار مهم است. تقویت دفاع قاره‌ای نه تنها امنیت کانادا را افزایش می‌دهد، بلکه شراکت استراتژیک آن را با مهم‌ترین متحدش نیز مستحکم می‌کند. برای موفقیت، یک دولت محافظه کار باید چندین

نقص دیرینه را برطرف کند. اصلاحات تدارکاتی باید در اولویت قرار گیرد. کاهش تشریفات اداری، حصول اطمینان از جدول زمانی سریعتر و مسئول دانستن پیمانکاران در قبال تأخیرها و هزینه‌های بیش از حد، برای دستیابی سریع به سکوهایی حیاتی مانند «اف-۳۵»، زیردریایی‌ها و کشتی‌های گشتی قطب شمال ضروری است. محافظه کاران قصد خود را برای اصلاح این روند اعلام کرده‌اند، اما موفقیت مستلزم تلاش مستمر و اراده سیاسی است. محافظه کاران متعهد به همکاری نزدیک با واشنگتن برای تقویت سیستم‌های هشدار اولیه و قابلیت‌های دفاع موشکی هستند. تقویت این روابط دوجانبه برای تضمین امنیت آمریکای شمالی در دنیایی که به‌طور فزاینده‌ای بی‌ثبات می‌شود، ضروری خواهد بود. کانادا همچنین باید در یک محیط بین‌المللی پیچیده‌تر حرکت کند. از ایجاد توازن در روابط با آمریکا و متحدان ناتو تا رسیدگی به تحریکات احتمالی روسیه و چین در قطب شمال و اقیانوس آرام، محافظه کاران به یک استراتژی روشن و منسجم نیاز دارند. این نه تنها شامل سرمایه‌گذاری‌های نظامی، بلکه تعامل دیپلماتیک برای اطمینان از شنیده شدن صدای کانادا در صحنه جهانی می‌شود.

<https://B2n.ir/w44981>



اولیس رادیو

## واکنش اتحادیه اروپا و ناتو به کشتی «سیاه» توقیف شده در آب‌های فنلاند



جمهوری فنلاند در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۲۳ به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درآمد. با این حال فنلاند از سال ۱۹۹۴، زمانی که به برنامه مشارکت برای صلح پیوست، دارای روابط رسمی با ناتو بوده است و از سال ۱۹۹۵ عضویت از اتحادیه اروپا که تا حد زیادی با عضویت در ناتو هم‌پوشانی دارد، بوده است. فنلاند از لحاظ تاریخی موضع بی طرفی خود را در مواجهه با روابط اغلب پیچیده خود با روسیه حفظ کرده است. امکان عضویت پس از پایان جنگ سرد به موضوع بحث در این کشور تبدیل شد و پس از حمله روسیه به اوکراین، این کشور رسماً در روز ۱۸ می ۲۰۲۲ درخواست پیوستن به ناتو را ارائه داد. در تاریخ ۵ جولای ۲۰۲۲، ناتو پروتکل الحاق فنلاند را برای پیوستن به این اتحاد امضا کرد تا پایان ماه سپتامبر، ۲۸ کشور از ۳۰ کشور عضو ناتو پروتکل الحاق را تصویب کرده بودند، دو کشور باقی مانده ترکیه و مجارستان بودند که در پایان مارس ۲۰۲۳ آن‌ها نیز این پروتکل را تصویب کردند. فنلاند در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۲۳ طی یک نشست برنامه ریزی شده رسماً به عضویت ناتو درآمد که سریع‌ترین روند الحاق در تاریخ این معاهده بوده است. فنلاند دارای یک هزار و ۳۴۰ کیلومتر مرز با روسیه است که بیش از معادل دو برابر مرز ناتو با روسیه است.

اتحادیه اروپا و ناتو پس از آسیب به کابل برق استلینک ۲ [Estlink ۲] بین فنلاند و استونی واکنش‌های خود را تشدید کردند.

اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی را برای هدف قرار دادن ناوگان به اصطلاح «سیاه» یا «سایه» روسیه پیشنهاد کرده است، در حالی که ناتو قول حمایت از فنلاند و استونی را در حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی داده است. در همین حال، استونی یک کشتی نیروی دریایی را برای ایمن‌سازی کابل‌های زیر دریا در بالتیک مستقر کرده است.

اتحادیه اروپا مشکوک است که آسیب به استلینک ۲، یک کابل برق کلیدی زیر دریا که فنلاند و استونی را به هم متصل می‌کند، ممکن است توسط نفت کش ایگل اس [EagleS] ایجاد شده باشد.

مقامات فنلاند ایگل اس، یک نفت کش با پرچم جزایر کوک را که به ناوگان تاریک روسیه مرتبط است، توقیف کرده‌اند، یعنی شبکه‌ای از نفت کش‌ها که بدون بیمه کار می‌کنند و

کشورهای غربی آن را به رسمیت می‌شناسند. مشاهده شد که کشتی در مجاورت کابل زمانی که آسیب دیده بود کند می‌شود. به گفته اتحادیه اروپا، ناوگان سایه امنیت و محیط زیست را تهدید می‌کند، در حالی که به طور هم‌زمان بودجه جنگ روسیه را تأمین می‌کند. کاپا کالاس، نماینده عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی، گفت: «ما اقدامات بیشتری را پیشنهاد می‌کنیم، از جمله تحریم‌هایی که این ناوگان را هدف قرار می‌دهد.»

در اوایل ماه جاری، اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه حدود ۵۰ نفت کش روسی مرتبط با ناوگان در سایه تصویب کرد. تلاش‌ها برای حفاظت از کابل‌های زیر دریایی، از جمله افزایش همکاری بین‌المللی، نیز در حال تشدید است. مارک روتنه، دبیرکل ناتو پس از گفت‌وگو با الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند، گفت که ناتو «حضور خود را در دریای بالتیک افزایش خواهد داد.»

روته در پلتفرم شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «من با الکساندر استاب درباره تحقیقات در حال انجام به رهبری فنلاند در مورد خرابکاری احتمالی کابل‌های زیر دریایی صحبت کردم. حمایت و همبستگی کامل خود را اعلام کردم. ناتو حضور خود را در دریای بالتیک افزایش خواهد داد.»

روته همچنین بر تعهد این ائتلاف به کمک به کشورهای عضو آن تأکید کرد.

وی نوشت: «ناتو پشت متحدان خود می‌ایستد و همه حملات به زیرساخت‌های حیاتی را محکوم می‌کند. ما تحقیقات آغاز شده توسط فنلاند

و استونی را زیر نظر داریم و آماده ارائه حمایت بیشتر هستیم.» اگرچه روتنه در مورد جزئیات کمک بالقوه ناتو توضیحی نداد، مقامات استونی گفت‌وگوهای جاری با ناتو را در مورد اقداماتی برای حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی تأیید کردند. در پاسخ به این حادثه، استونی یک کشتی گشتی دریایی را جوار برای محافظت از کابل برق استلینک ۱ مستقر کرده است که همچنان عملیاتی است.

هانو پوکور، وزیر دفاع استونی، این اقدام را در ایکس اعلام کرد و افزود که استونی آماده است از ارتباطات انرژی خود با فنلاند «در صورت لزوم از طریق ابزار نظامی» محافظت کند.

پوکور همچنین فاش کرد که استونی پیشنهاد همکاری با فنلاند برای تأمین امنیت این کابل‌ها را داده و پیشنهاد کرده که سایر متحدان ناتو مانند سوئد، آلمان یا لهستان ممکن است به این تلاش بپیوندند.

بر اساس گزارش پخش عمومی رادیو و تلویزیون استونی [ERR]، راجو اوایل امروز تلین را ترک کرد و در حال حاضر در مرکز خلیج فنلاند در حال گشت‌زنی است.

کابل برق استلینک ۲ در روز کریسمس در آب‌های فنلاند آسیب دید. گارد مرزی فنلاند به همراه واحد مداخله ویژه [Karhu] از اداره پلیس هلسینکی ایگل اس را متوقف کردند و در حال بررسی نقش احتمالی آن در این حادثه هستند. مقامات فنلاند و استونی به تحقیقات در مورد علت خسارت ادامه می‌دهند.

<https://tinyurl.com/27w4c777>

## کریدل / آیدان سیماردون

# به رسمیت شناختن سومالی؛ تغییر ژئوپلیتیک غرب آسیا



در اقدامی که بسیاری را شگفت زده کرد، دونالد ترامپ، رئیس جمهور منتخب آمریکا قرار است سومالی‌لند (نامی است که قبایل پنج استان شمالی سومالی از سال ۱۹۹۱ به خود داده و از کشور سومالی اعلام استقلال کرده‌اند) را به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت بشناسد. این تصمیم بی سابقه که توسط گوین ویلیامسون، وزیر دفاع سابق انگلیس فاش و توسط سلفا گزارش شد، می‌تواند به طور چشمگیری ژئوپلیتیک را در شاخ آفریقا و آبراه‌های غرب آسیا تغییر دهد.

به رسمیت شناختن سومالی‌لند که در نزدیکی شبه جزیره عربستان قرار گرفته است، به غرب پایگاه استراتژیک جدیدی در جنگ علیه یمن می‌دهد، زیرا از ماه اکتبر سال ۲۰۲۳ کشتی‌های عازم اسرائیل را محاصره کرده است. با این حال، این اقدام خطر تیره شدن روابط آمریکا با متحدان کلیدی منطقه‌ای مانند مصر و ترکیه را به همراه دارد که هر دوی آن‌ها روابط قوی با سومالی دارند.

سومالی‌لند در ۱۹۹۱ استقلال خود را از سومالی اعلام کرد، اما هنوز توسط هیچ کشور مستقلی به رسمیت شناخته نشده است. با وجود این، این منطقه هویتی متمایز ایجاد کرده است. سومالی‌لند که یک سوم جمعیت سومالی را در خود جای داده، تقریباً به اندازه فلوریدا بوده و برخلاف همسایه جنگ‌زده خود، ثبات نسبی را حفظ کرده است.

در حالی که درگیری‌ها در مناطق شرقی آن از سال ۲۰۲۳ تشدید شده، بخش عمده‌ای از سومالی‌لند آرام است.

از زمان آغاز جنگ یمن در سال ۲۰۱۴، امارات به دنبال شریکی در شاخ آفریقا علیه دولت تحت سلطه انصارالله در صنعا بوده است. در سال ۲۰۱۶، امارات قراردادی به ارزش ۴۴۲ میلیون دلار برای ساخت بندری در شهر بربره سومالی‌لند که تنها ۲۶۰ کیلومتر با شهر بندری عدن یمن فاصله دارد، امضا کرد.

یک سال بعد، این بندر به یک پایگاه دریایی و هوایی گسترش یافت و از سال ۲۰۱۸ برای حمله به داخل یمن مورد استفاده قرار گرفت. پایگاه نظامی همچنان در حال گسترش و آشیانه‌هایی در دست ساخت برای هواپیماهای بیشتر است. بنا بر گزارش‌ها، امارات اکنون در حال کار بر روی تضمین توافقی بین سومالی‌لند و اسرائیل است. در سال ۲۰۱۰، اسرائیل که علاقه‌مند

به ایجاد جای پای در نزدیکی دریای سرخ و خلیج عدن (که از سمت جنوب با سومالی و از سوی غرب با «جیبوتی» همسایه می‌باشد) بود، به یکی از معدود کشورهایی تبدیل شد که با سومالی‌لند روابط دیپلماتیک البته بدون به رسمیت شناختن رسمی برقرار کرد.

علاقه اسرائیل به منطقه تنها از زمانی افزایش یافته که یمن به تلافی نسل کشی جاری در غزه حمله مستقیم به آن‌ها را آغاز کرده است و در حال حاضر نیز حضور نظامی و اطلاعاتی مشترکی با امارات در جزیره سقطری یمن اشغالی دارد.

در سال ۱۹۹۳، آمریکا به امید سرنگونی دولت سومالی، به موگادیشو، پایتخت سومالی حمله کرد. به گزارش پی‌بی‌سی، این نبرد که اجساد سربازان آمریکایی را در خیابان‌ها کشانده بود، «خونین‌ترین درگیری با نیروهای آمریکایی از زمان ویتنام» بود و در هدف خود شکست خورد. چند ماه بعد، آخرین نیروهای باقیمانده آمریکا خارج شدند.

از سال ۲۰۰۷، ارتش آمریکا بار دیگر در سومالی با عملیات دریایی علیه دزدان دریایی مداخله کرد و حملات هوایی را علیه گروه شورشی سلفی جنبش جوانان مجاهدین، معروف به الشباب انجام داد. با وجود این تلاش‌ها، الشباب به حملات مرگبار علیه نیروهای آمریکایی ادامه داد. ترامپ یک ماه قبل از ترک قدرت، نیروهای آمریکایی را خارج کرد. در ۲۰۲۲، جو بایدن مسیر خود را تغییر داد و ۵۰۰ سرباز آمریکایی را به سومالی بازگرداند.

حضور روبه‌رشد چین در شاخ آفریقا عامل

مهمی در منافع آمریکا در سومالی‌لند است. از سال ۲۰۱۷، چین یک پایگاه نظامی بزرگ در جیبوتی که هم مرز با سومالی‌لند و یک بازیگر کلیدی در ژئوپلیتیک منطقه است، راه‌اندازی کرده است.

جیبوتی که زمانی دژ مستحکم برای پایگاه‌های غربی بود، از نزدیک با پکن همسو شده است، حتی از اقدامات چین در هنگ کنگ حمایت می‌کند و به کشتی‌های ایرانی اجازه می‌دهد در بندر آن پهلو بگیرند.

جیبوتی همچنین از آمریکا خواسته است که حملات هوایی به یمن انجام ندهد و به کشتی‌های ایرانی اجازه پهلوگیری در پایگاه نظامی چین را داده است.

اما به رسمیت شناختن سومالی‌لند می‌تواند واکنش شدید متحدان آمریکا را برانگیزد. مصر که به دلیل نگرانی‌های مشترک در مورد سد بزرگ رنسانس اتیوپی با سومالی هم‌سوس شده، ممکن است به رسمیت شناختن سومالی‌لند را خیانت بداند.

به عنوان یک کشور محصور در خشکی، اتیوپی و سومالی‌لند یادداشت تفاهمی در سال جاری امضا کردند که به اتیوپی اجازه دسترسی به دریا از طریق بندر بربره را می‌دهد. در پاسخ، مصر یک قرارداد دفاعی با سومالی امضا کرد. ترکیه یکی دیگر از بازیگران کلیدی منطقه، سرمایه‌گذاری هنگفتی، از جمله ایجاد بزرگ‌ترین پایگاه نظامی خارجی خود در موگادیشو و کمک یک میلیارد دلاری به سومالی بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ در سومالی کرده است.

<https://B2n.ir/d32328>

غیرنظامی برای فعالیت‌های تروریستی و قاچاق سلاح‌ها برای انجام حملات تروریستی علیه شهروندان اسرائیلی، استفاده می‌کند. ارتش اسرائیل اشاره کرد: این تلاش‌ها توسط واحد ۴۴۰۰ حزب‌الله رهبری می‌شود که مسئولیت قاچاق سلاح به خاک لبنان از طریق جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی آن و افزایش ذخیره سلاح‌های حزب‌الله را بر عهده دارد.

• فرانک-والتر اشتاین مایر، رئیس‌جمهور آلمان، با صدور حکمی با انحلال پارلمان این کشور، راه را برای برگزاری انتخابات زودرس در روز ۲۳ فوریه سال آینده میلادی، پنجم اسفند امسال، هموار کرد. این تصمیم پس از فروپاشی دولت ائتلافی اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، گرفته شد، ائتلافی که پس از، از دست دادن اکثریت پارلمانی، دیگر قادر به ادامه حیات نبود.

• رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد که کشورش به پیشنهاد اسلواکی برای میزبانی مذاکرات صلح با اوکراین با هدف پایان دادن به جنگی که از اسفند سال ۱۴۰۰ با حمله تمام‌عیار این کشور آغاز شد، پاسخ مثبت می‌دهد. ولادیمیر پوتین در روزهای اخیر میزبان رابرت فیستکو، نخست‌وزیر اسلواکی بود که در سفری غیرمنتظره وارد مسکو شده بود. رئیس‌جمهور روسیه در مصاحبه‌ای با تلویزیون این کشور گفت که نخست‌وزیر اسلواکی در جریان این دیدار به او اعلام کرده بود که براتیسلاوا آمادگی دارد برای برگزاری مذاکرات صلح اقدام کند.

• قیس خزعلی، رهبر گروه عصائب اهل حق عراق، چندین هفته است که در انتظار عمومی دیده نشده؛ این امر باعث شده است در مورد کشته یا زخمی شدن او بر اثر یک حمله پهلادی، شایعاتی مطرح شود. به‌منظور رد این شایعات، قدیر شریف، رئیس دفتر عصائب اهل حق در تهران، چهار روز قبل در تاریخ ۲۱ دسامبر به رسانه بغداد الیوم گفت: «خزعلی مدتی است که در ایران اقامت دارد. او مقطعی در شهر مشهد، جایی که حرم علی‌بن موسی‌الرضا واقع است، مستقر بود و سپس به شهر قم در مرکز این کشور نقل مکان کرد تا به تحصیلات حوزوی ادامه دهد.»

• وبگاه خبری آکسیوس در گزارشی اعلام کرد که پنجره رسیدن به توافق آتش‌بس پیش از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در حال بسته شدن است. باراک راباید، خبرنگار امنیتی صهیونیست در این باره نوشت: با وجود پیشروی‌ها در مذاکرات، برخی از اختلافات اساسی همچنان برطرف نشده و این امر برقراری آتش‌بس را به بن‌بست رسانده است.

• «فالح الفیاض»، رئیس سازمان الحشد الشعبی، در مراسمی در استان «دبالی» به مناسبت ایام شهادت شهید «حاج قاسم سلیمانی» و شهید «ابومهدی المهندس» گفت: سازمان حشد الشعبی به فرماندهان خود، مرجعیت دینی و تمام کسانی که از ما حمایت کردند، به‌ویژه برادران در جمهوری اسلامی ایران و شهید قاسم سلیمانی که در تمام نبردها حضور داشتند، وفادار است.»

• رسانه‌های اسرائیلی خبر دادند که ارتش این رژیم بامداد جمعه برای اولین بار از زمان استقرار سامانه ضد موشکی «تاد» برای رهگیری موشک یمنی از این سامانه استفاده کرده است. آمریکا این سامانه را پس از عملیات وعده صادق ۲ و در تاریخ ۲۲ مهر در خاک فلسطین اشغالی مستقر کرد.

• لبنان در اولین پیام رسمی خود به حکومت جدید سوریه اعلام کرد که در انتظار برقراری بهترین روابط همسایگی با آن کشور است. وزارت خارجه لبنان اعلام کرد که عبدالله بوحیب، وزیر خارجه این کشور، در تماسی تلفنی این پیام را به اسعد حسن الشیبانی، همتای سوری خود منتقل کرده است.

• نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد در لبنان (یونیفیل)، با اشاره به آنچه «نقض توافق آتش‌بس» با حزب‌الله لبنان تحت حمایت ایران خواند، خواستار عقب‌نشینی به موقع اسرائیل از جنوب این کشور شد.

• روزنامه هآرتس و کانال ۱۳ گزارش دادند که دیوید بارنیا، رئیس تشکیلات اطلاعات خارجی اسرائیل، موساد، به رهبران این رژیم فشار آورده است که برای «مهار حملات حوثی‌ها، تمرکز خود را بر حمله به ایران معطوف کنند».

• نخست‌وزیر اسرائیل ضمن انتقاد از برخی گزارش‌های منتشرشده به نقل از منابع ناشناس، مبنی بر عدم پیشرفت مذاکرات آتش‌بس غزه به علت اظهارات او، از تیم مذاکره‌کننده اسرائیلی و برخی رسانه‌ها خواست تا «در زمین حماس بازی نکنند».

• اتحادیه عرب از حکومت ایران خواست که پس از سرنگونی بشار اسد، رئیس‌جمهور پیشین سوریه و متحد قدیمی جمهوری اسلامی، به «نزاع» میان مردم سوریه دامن نزند. اگرچه بیانیه اتحادیه عرب اشاره‌ای به مقام خاصی نکرده است؛ اما [آیت‌الله] خامنه‌ای مدعی شد که پس از سرنگونی اسد در سوریه، «یک مجموعه شرافتمند قوی» ظهور می‌کنند و این که جوانان سوری چیزی برای از دست دادن ندارند.

• یک سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده در پاسخ به درخواست صدای آمریکا برای اظهارنظر درباره حملات ارتش اسرائیل به مواضع شورشیان حوثی در یمن، گفت: از حق اسرائیل برای دفاع از خود حمایت می‌کنیم. این سخنگو در ادامه پاسخ کتبی خود به صدای آمریکا تأکید کرد که البته در انجام این کار بسیار مهم است عملیات ارتش اسرائیل به گونه‌ای انجام شود که با تعهدات این کشور به حفاظت از جان غیرنظامیان مطابقت داشته باشد.

• دبیرکل سازمان ملل متحد حملات روز پنجشنبه اسرائیل به مواضع حوثی‌های مورد حمایت حکومت ایران در یمن را «نگران‌کننده» دانست و این حملات را محکوم کرد. سخنگوی دبیرکل سازمان ملل در یک کنفرانس خبری گفت: به اعتقاد آنتونیو گوترش حملات ارتش اسرائیل به حوثی‌ها می‌تواند خطر تشدید تنش‌ها در منطقه را افزایش دهد. فرودگاه بین‌المللی صنعا، بنادر دریای سرخ و چند نیروگاه روز پنجشنبه هدف حملات هوایی ارتش اسرائیل قرار گرفتند، که به گفته حوثی‌ها دست کم ۶ کشته برجای گذاشت.

• ارتش اسرائیل اعلام کرد که نیروی هوایی این کشور بامداد روز جمعه هفتم دی به «زیرساخت‌هایی که برای قاچاق سلاح از طریق سوریه به سازمان تروریستی حزب‌الله لبنان در گذرگاه جانتا در مرز سوریه و لبنان استفاده می‌شد»، حمله کرده است. به گزارش کانال تلگرامی ارتش اسرائیل، «سازمان تروریستی حزب‌الله از زیرساخت‌های



ایندپندنت / کاملیا انتخابی فرد

## ۲۰۲۵، آخرین سال حیات نظام است؟



اوکراین و شکسته شدن حریم «آسیب‌ناپذیری اسرائیل» از سوی حماس، حزب‌الله و پس از آن حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی، غیرقابل گذشت بود.

از دست دادن سوریه در پس همان تحولاتی است که در لبنان اتفاق افتاد و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در دمشق می‌توانست واکنش اسرائیل و تلفات بسیار برای نظام را در پی داشته باشد.

حملات سنگین و هدفمند اسرائیل به شبه‌نظامیان حوثی در یمن نیز آغاز شده است و با توجه به اظهارات نخست‌وزیر اسرائیل تا پایان کار این گروه نیز ادامه پیدا خواهد کرد. مضیقه‌های مالی شدید جمهوری اسلامی دیگر امکان پرداخت‌های سنگین در سوریه و لبنان را به آن‌ها نمی‌داد و از سوی دیگر، درگیری بیشتر در هفته‌های پایانی سال ۲۰۲۴ و بازگشت ترامپ، آن‌ها را در موضعی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر قرار می‌داد.

چنین بود که راهبرد نظام در عرض چند هفته تغییر کرد و اعلام شد که هرگز گروه‌های شبه‌نظامی نداشته‌اند و حوثی‌ها نیز به صورت مستقل اقدام می‌کنند؛ عقب‌نشینی‌ای که از نگاه مسئولان نظام، به آن‌ها امکان می‌دهد برای رویارویی با ترامپ آماده شوند.

آن‌ها خوب می‌دانند که اگر با دولت ترامپ سر جنگ داشته باشند، با وضعیت نابسامان داخلی، حکومتشان از درون فرو خواهد پاشید. برگزاری برنامه‌های ویژه شب یلدا در صداوسیما یا فرستادن پیام تبریک مشترک محمدجواد ظریف و همسرش به مناسبت کریسمس به زبان انگلیسی بخشی از همین تلاش‌ها برای راضی کردن افکار عمومی و موجه نشان دادن خود به مخاطبان غربی است. مسئله اینجاست که آیا این نظام در آینده نزدیک تغییر خواهد کرد؟

پاسخ این پرسش را هیچ کس به درستی نمی‌داند، اما منطقی است که بگوییم ایران؛ سوریه، لبنان یا عراق نیست که تغییراتش به آن سبک و سیاق انجام‌پذیر باشد. با این حال، چنانچه این تحولات با حضور فردی که رهبری ملت ایران را عهده‌دار شود و در بستر پشتیبانی و فرمانبرداری نیروهای مسلح از او، صورت بگیرد، به شکلی مسالمت‌آمیز و موردنظر اتفاق خواهد افتاد!

اکتبر حماس به اسرائیل و حملات حوثی‌ها به کشتی‌های باری و تجاری در دریای سرخ و تهدیدهای حزب‌الله لبنان و موشک‌پرانی‌ها به سمت شمال اسرائیل که باعث شدند دولت یهود در چند جبهه مشغول رویارویی با دست‌نشانندگان جمهوری اسلامی باشد. شاید ابراهیم رئیسی از میان برداشته شد تا این امکان فراهم شود که با انتخاباتی زودهنگام، فردی روی کار بیاید که بتواند او را سیاستگذاری متفاوت نسبت به ابراهیم رئیسی، جازد.

در این انتخابات که مسعود پزشکیان را برنده آن اعلام کردند، محمدجواد ظریف، بیش از نامزد اصلی، در حال برگزاری کارزارهای انتخاباتی بود.

اسماعیل هنیه در تهران و در شب مراسم تحلیف پزشکیان، شکار شد و پس از آن، فرماندهان سپاه پاسداران در لبنان و سوریه یکی پس از دیگری هدف حملات اسرائیل قرار گرفتند. تونل‌های زیرزمینی که قرار بود پناهگاه‌هایی برای سران نیروهای مقاومت وابسته به جمهوری اسلامی باشد، با بمب‌های آمریکایی یکی پس از دیگری در هم کوبیده شدند.

«وعده صادق ۲» نیز با واکنش خصمانه‌تر اسرائیل مواجه شد و مراکز نظامی حساس جمهوری اسلامی هدف حمله قرار گرفت؛ چنانچه بنا بر اعلام خبرگزاری رویترز، سیستم رادارهای دفاعی ایران در این حملات از بین رفتند.

اسرائیل بدون تایید و پشتیبانی آمریکا چنین عملیاتی انجام نمی‌داد. به زبان ساده‌تر، آمریکا و متحدان اصلی این کشور به این نتیجه رسیدند که زمان حذف گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران، فرا رسیده است. همکاری‌های ایران با روسیه در جبهه جنگ با

سال ۲۰۲۴، سال چالش‌های فراوان برای نظام ایران قلمداد می‌شود و با همین نگاه و بررسی تحولاتی که در ۱۲ ماه اخیر رخ داده است، به نظر می‌رسد که ۲۰۲۵ نیز متأثر از سالی که رو به پایان است، خواهد بود.

سوریه و لبنان، دو مکانی که جمهوری اسلامی توانسته بود هلال شیعی خود را از مشرق تا مغرب در آن بگستراند، به ناگاه فروریخت و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در منطقه فروپاشید، اما بیش از آنکه میزان منابع مالی از دست‌رفته برای ایران اهمیت داشته باشد، اعتبار این نظام بود که طی چند ماه به کل از بین رفت.

اگر حوادث یک سال اخیر را مرور کنیم، شاید سرخ یا دلیلی برای برهم خوردن نظمی که ایجاد کرده بودند، بیابیم.

آیا شروع حوادثی که منطقه را درگروگن کرد، با سقوط مشکوک هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی شروع شد، یا با ترور سردار سلیمانی؟ سردار سلیمانی ترور شد. جانشین او، اسماعیل قاتنی، نه دانش نظامی او را داشت و نه کاربزمایش را و نه قدرت ارتباط‌گیری با فرماندهان شبه‌نظامیان همسودر کشورهای دیگر را.

قاتنی که عربی نمی‌دانست و سالیان سال در بخش اقتصادی و مالی سپاه قدس فعالیت کرده بود، در گام نخست، فرماندهان معتمد و وفاداران به سردار سلیمانی را عزل یا بازنشسته کرد تا فرماندهان نزدیک به خود را روی کار بیاورد.

تحریم‌های آمریکا، ضعف در استفاده از فناوری‌های مدرن و به‌روز نشده و ساده گرفتن توان اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل همگی می‌توانند از دلایل شکست‌های پی‌درپی حکومت ایران در منطقه و از دست دادن متحدانش باشند.

در عین حال، نارضایتی شدید مردم ایران، این حکومت را در چالش بزرگی گرفتار کرده و جمهوری اسلامی را به هراس افکنده است. نگاهی به مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی به همراه حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت او، که یک سانحه هوایی خوانده شد، این حکومت را همچنان به چالش می‌کشد. عملیات «وعده صادق ۱»، که در دوره دولت ابراهیم رئیسی اتفاق افتاد، جمهوری اسلامی را با چالش‌های بیشتری بر سر برنامه هسته‌ای این کشور روبرو کرد؛ از جمله حمله هفتم



## رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان  
مركز مطالعات

[Sourianc.com](http://Sourianc.com)